

**گفت‌وگو با دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی که برای دانشجویان پایان‌نامه می‌نویسد**

# مولای درز پایان‌نامه‌های من نمی‌رود

◀ برخی استادان دانشگاه، دانشجویانشان را به دلالتان پایان‌نامه معرفی می‌کنند  
 ▶ قیمت پایان‌نامه از یک میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است



امین شول سیرجانی | ۱۵ اسیتامبر ۲۰۱۶ (۲۵ شهریورماه ۹۵) می‌تواند برای جامعه علمی ایران روز مهم و درآواری باشد، به شرط آن که هنوز رنگ‌های حیاتی دانشگاه در ایران قطع نشده باشد. مجله معتبر «ساینس» این بار پیش‌قدم شد و درباره فروش مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های علمی در ایران گزارش نوشت. پیش از این رسانه‌های داخل کشور نوشته بودند و دلسوزانی زنهار داده بودند که ممکن است تشتت رسوایی مدارک سری‌دوزی‌شده از بام دانشگاه بیفتد اما گویی این هشدارها چاره‌ساز نبودند. دمسل چرکین علم‌فروشی در خیابان‌ها مقابل دانشگاه تهران به‌عنوان نماد آکادمی در ایران، هر بار با مسکن و آن‌شاه‌الله و ماشالله گفتنی تسکین داده می‌شد تا این که این بار یک مجله بین‌المللی عریان‌تر از همیشه مرضی احوالی دانشگاه در ایران را به رخ جامعه دانشگاهی ایران کشید. بنابر این گزارش، در سال ۲۰۱۴، یک عضو فرهنگستان علوم ایران برآورد کرده بود که هر ساله حدود ۵هزار پایان‌نامه که برابر با ۱۰درصد پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد و دکتری‌ارپاشده در کشور است، از بازار خریداری می‌شوند. بازار پررونقی که به کاهش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان هم کمک کرده است. یکی شمس مهندس کامپیوتر است اما برای دانشجویان اقتصاد مقاله می‌نویسد. دیگری دانش‌آموخته فلسفه است و برای دانشجویان حقوق پروژه دانشگاهی تهیه می‌کند و آن یکی جامعه‌شناسی و حقوق خوانده و شبانه‌روز در بی کسب لقمه نانی است که چرخ زندگی‌اش را بچرخاند. سراغ همین آخری رقتسم و با او به گفت‌وگو نشستیم. راضی کردن یک پایان‌نامه‌نویس برای گفت‌وگوی رسانه‌ای کار دشواری است. چه‌بسا از دیدگاه برخی منتقدان، پایان‌نامه‌نویس‌ها هم در ردیف متهمان وضع کنونی قرار می‌گیرند و نه معلول آن. شاید به همین دلیل بود که هفت پایان‌نامه‌نویس در لحظه شنیدن پیشنهاد گفت‌وگو، با صلابتی مثال‌زدنی «نه» گفتند. نفر هشتم پذیرفت اما بعدا گوشه تلفنش را خاموش کرد. و اما نفر نهم نه تنها پذیرفت که بعد از ۲۰دقیقه گفت‌وگوی تلفنی، پذیرای گفت‌وگوی حضوری شد. مریم متولد ۱۳۶۱ است. او در رشته حقوق و علوم اجتماعی مدرک کارشناسی گرفته و بعد از آن در مقطع ارشد، مطالعات زنان خوانده است. مریم حالا دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی است. او در این گفت‌وگو توضیح می‌دهد که چرا پایان‌نامه‌نویسی را به‌عنوان یک شغل برگزیده است.

**چه شدد که بسک دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی رقت سراغ پایان‌نامه نوشتن برای دانشجویان دیگر؟**

هروق از معنادا می‌پرسند که چی شد معناد شدید خاشمون می‌گن اولش تفتنی مصرف می‌کردم، من هم اولش تفتنی شروع کردم. (می‌خندد) اون موقع هنوز دانشجوی ارشد بود. برای یکی از هم‌کلاسی‌هام پایان‌نامه خیلی خوبی آماده کرده که نمره بالایی هم گرفت. بعدا همون دوستم یکی دو تا از دوستانش رو معرفی کرد برای اون‌ها هم نوشتیم و کم‌کم عادت کردم. راستش رو بخواید پولش هم خوب بود. مزه پایان‌نامه‌نویسی رقت زیر دندونم.

**برای نوشتن پایان‌نامه کارشناسی ارشد چقدر دستمزد می‌گیرید؟**

همون عرف بازار رو می‌گیرم. از یک‌میلیون

و ۵۰۰هزار تومن تا ۲میلیون و ۳۰۰هزار تومن. قیمت به به‌سری آیتها بستگی داره. این‌که سفارش‌دهنده قصد استخراج مقاله از این پایان‌نامه‌رو هم داشته باشه یا نه و کیفیت و زحمت کار. البته این‌رو هم یگم که اوایل خیلی با خودم درگیر بودم و فکر می‌کردم که این پول حلال نیست. از طرفی هم شغل نداشتم و واقعا به درآمد نیاز داشتم. بعد از نوشتن سومین پایان‌نامه بود که از دفتر یک مرجع تقلید درباره این پول استفتا کردم که پاسخ دادند استفاده از این پول جایز نیست. ولی می‌دونید وقتی نیاز دارید می‌تونید راه توجیه رو هم پیدا کنید. منم خودروم توجیه کردم.

**الان درباره این روش پول درآوردن چه نظری دارید؟**

الان نگاهم فرق کرده. این روش شاید از نظر عرفی درست نباشه ولی به نظر من، از روش خیلی از آدم‌های دیگه بهتره و این پول هم حلال تره، می‌افته که من خیالم راحت است.

**چه اتفاقاتی؟**

حتما نمی‌خواید خودتون رو از فساد بی‌اطلاع نشون بدید؟ ایسن همه دردی و کلاهدرداری نشون دهنده نگرش آدم‌ها به زندگی‌هست. در این شرایط فقط امثال من باید به فکر اخلاق باشیم؟ تازه مگه من کلاهدرداری می‌کنم؟ همه پایان‌نامه‌ها رو بسا نهایت دقت می‌نویسم. کلی مطالعه می‌کنم. میرم کتابخونه فیش تحقیق تهیه می‌کنم. همین‌طوری الکی نمی‌نویسم. چارچوب نظری پایان‌نامه‌هایی که می‌نویسم همه درست و نظری دارید؟

دقیق هستند. موی لای درزشون نمره و معمولا هم تأیید می‌شن. خب به پایان‌نامه هم باید همین چیزارو داشته باشه. حالا این پول می‌شه حروم؟ مسلما نه. تازه اگر این کار رو نکنم چطوری از پس پرداخت اقساط وام و هزینه‌های زندگی بریام؟ نمی‌خوام نق بزسم و یگم ندارم. ولسی خب واقعا ندارم! من و شوهرم از صبح تا شب می‌دویم تا قسط‌های بانکمون عقب نیفته.

**یعنی اگر نیاز مالی نبود نمی‌رفتنی سراغ پایان‌نامه نویسی؟**

نمی‌دونم. شاید هم می‌رفتم. اگر بگم این کار رو نمی‌کردم شاید دروغ گفته باشم. باید در موقعیت قرار بگیرم. ولی من ایسن کار رو نوعی کار علمی می‌دونم. به کسانی که همین‌طوری الکی کار می‌کنند کار ندارم ولی من واقعا برای کارم وقت

می‌ذارم. نوشتن هر پایان‌نامه به‌طور متوسط چقدر طول می‌کشه؟ بعضی‌ها که من می‌نویسم حدود دو ماه زمان می‌بره. بعضی وقت‌ها هم اگر مشتری‌ها از یه دانشگاه نباشند خیلی از اطلاعات‌رو برای دو تا پایان‌نامه استفاده می‌کنم ولی حواسم هست که عنوان پایان‌نامه‌ها تکراری نباشه.

**بیشتر دانشجویان چه رشته‌هایی و چه دانشگاه‌هایی مشتری شما هستند؟**

بیشتر برای دانشجویان علوم اجتماعی و حقوق می‌نویسم. یکی دو بار برای دانشجویان علوم تربیتی و فلسفه هم نوشتیم. از همه دانشگاه‌ها هستند ولی خب دانشجویان دانشگاه آزاد بیشتر مراجعه می‌کنند، بعدش هم پیام‌نور و بعضی

عین‌الزمان

دانشگاه‌های دولتی. هیچ‌وقت با دانشجویهایی که برای سفارش با ششما تماس می‌گیرند، صحبت کردی که چرا خودشون نمی‌نویسند؟ بله. بیشتر مشتری‌های من کارمند دولت یا شرکتهای خصوصی هستن. می‌خوان به مدرکی بگیرن. برای حقوق و مزایاشون هم خوبه. البته دو سه سالی هست که دانشجوهای بیکار هم دیگه حال پایان‌نامه نوشتن ندارند. بعضی‌هاشون هم حال نوشتن رو دارند ولی بلد نیستند. راهنمایی‌اشون می‌کنم که خودشون بنویسند و مثلا همون پول تهیه طرح تحقیق و چارچوب نظری‌رو ازشون می‌گیرم.

**حدودا تا حالا چند تا پایان‌نامه نوشتید؟**  
 من از سال ۸۷ توی این کارم. فکر کنم حدود صد تا پایان‌نامه و ۱۰ تا هم مقاله. حالا این کار دردمسرش هم زاده بعدش هم رقیب هم پیدا کردیم.

**چه دردمسری؟ کیا باهاتون رقابت می‌کنند؟**

یکی از دردمسرها اینسه که دانشجویا بعضی موقع‌ها بخشی از پول‌رو به پناهه‌های مختلف نمی‌دن و چون از طرف یه آشنا معرفی شدن دیگه دست من کوتاهه. از اون طرف بعضی استادها هم هستند که متاسفانه رقیب ما شدن. نه این‌که برای دانشجویا پایان‌نامه بنویسند نه. روششون این‌طوره که دیگه دانشجویایی که اهل نوشتن پایان‌نامه نیستند رو شناسایی - بشنون توصیه می‌کنند که اگر وقت ندارند پایان‌نامه‌رو بدهند به فرد موردنظر اونها بنویسه. آدم‌های خودشون رو معرفی می‌کنن.

**یعنی رابطه مالی بین استادها و همکارهای شما وجود داره؟**

در یک مورد که از نزدیک در جریان بودم، بله رابطه مالی وجود داشت. ولی درباره بقیه استادهایی که ایسن کار رو می‌کنند نمی‌تونم قضاوت کنم.

**این صحبت براساس تفسیرت از رفتار استادها بوده یا واقعا دلیل قانع‌کننده‌ای داری؟**

حداقل درباره سه تا پایان‌نامه از طرف دو تا استاد راهنما این اتفاق افتاد که من کلی زحمت کشیدم و طرح را هم اول کار تصویب کردند اما بعدا به دانشجوها ایراد می‌گرفتند. یکبار درباره چارچوب نظری، یکبار درباره پیشینه تحقیق و خلاصه آخر کار بی‌تعارف به دانشجو گفته بودند که بسره به فلائی بسده برایت پایان‌نامه بنویسه. حتی یک مورد داشتیم که خود دانشجو داشت پایان‌نامه‌اش رو می‌نوشت اما استاد گفته بود تو نمی‌تونی و بعد یه نفر رو معرفی کرده و گفته بود که بگو برای من بنویسه. این حرف‌های من به حساب توهمین به استادها گذاشته نشه. من خودم توی چهار تا دانشگاه خوب درس خوندم و فقط یکی از استادها هم رفتارهای غیرحرف‌های داشت. متأسفانه این‌قدر تعداد دانشگاهها و دانشجویهای ارشد زیاده شده که بعضی از استادها هم وارد این قضیه شدن.

**البته زیاد شدن تعداد دانشگاه‌ها و دانشجویها به کار شما هم رونق داده دیگه؟**  
 (لبخند تلخی می‌زند) بله، رونق داده ولی من دیگه خسته شدم. شاید چند ماه دیگه که قسط بانکمون تموم می‌شه این کاررو بذارم کنار.

**گفت‌وگو با محمدامین قانع‌ی‌راد درباره گسترش پایان‌نامه‌فروشی**

# فساد آکادمیک با استقلال نهاد دانشگاه برچیده می‌شود

◀ باید پارلمان آموزش در ایران شکل بگیرد



مثلا قانون می‌گوید نماینده مجلس باید حداقل فوق‌لیسانس داشته باشد یا مثلا شما می‌خواهید یک شرکت خصوصی راه بیندازید باید مدرک داشته باشید. این روش‌ها معنادارند.

**این میل عجیب و غریب به گرفتن مدارک دانشگاهی در کشورهای توسعه‌یافته وجود ندارد؟**  
 نه وجود ندارد. در بیشتر کشورها حدود ۴۰درصد افراد برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد اقدام می‌کنند و حداکثر ۱۰ درصد همین افراد به مقطع دکتری می‌روند. دکتری چیزی نیست که همه به دنبالش باشند. افراد با استعدادها ویژه معمولاً در این مقطع تحصیل می‌کنند. وقتی از استعدادها ویژه حرف می‌زنیم نباید ایسن واژه‌ها تعریفی که در داخل کشور از افراد تیزهوش مطرح است، اشتباه گرفته

خودش را حفظ کرده است. ما در آن‌جا نهاد‌های معتبر اعتبارسنجی داریم. در آن‌جا دانشگاه به ابزار پول درآوردن تبدیل نشده است. در یک کشور توسعه‌یافته اگر کسی قدرت می‌خواهد می‌رود سراغ حزب. اگر کسی دنبال پول است می‌رود سراغ کار اقتصادی و اگر کسی دنبال رشد سازمانی است می‌رود سراغ کسب مهارت‌های مورد نیاز سازمان. ضمن این‌که دانشگاه در کشورهای توسعه‌یافته یک نهاد مستقل است.

**شما می‌گویید نهاد دانشگاه در ایران به ابزاری برای کسب قدرت ثروت تقلیل یافته است. در این تقلیل جایگاه، استادان کجا ایستاده‌اند. چرا استادان دانشگاه نتوانستند با نخواستند از هویت دانشگاه به‌عنوان یک نهاد فرهنگی آموزشی دفاع کنند؟**

جامعه‌دانشگاهی هیچ‌گاه در تصمیم‌گیری‌ها نقش محوری نداشته است. سیاست‌ها طوری بوده که زمینه‌مشارکت استادان دانشگاه فراهم نشده و بعضا برخلاف این مشارکت تصمیم‌گیری شده است. در کنار این، یکی از سیاست‌هایی که باعث شده بخشی از جامعه استادان ما خاموش باشند، فراهم کردن فرصت‌های تأمین مالی برای آنها بوده است. آنها عملا درگیر اجزای پروژه‌های تحقیقاتی‌شانند. پروژه‌هایی که البته معطوف به هدف نیستند و نتایج‌شان صرفا پایگانی می‌شوند. از طرف دیگر توسعه رشته‌های تحصیلات تکمیلی برای کسانی که به‌عنوان استاد راهنما و استاد مشاور نقش ایفا می‌کنند، مزیت مالی دارد. کار به جایی رسیده که دانشگاه‌ها برای کسب درآمد بیشتر و گرفتن دانشجوی تحصیلات تکمیلی با یکدیگر رقابت می‌کنند و این رقابت در سطح دانشگاه‌ها به میان استادان هم کشیده شده است. وضع دانشگاه در ایران به جایی رسیده که عملا با انبوهی تخلف علمی در دانشگاه‌ها روبه‌رو هستیم. دانشگاه‌های آزاد و پیام‌نور در ردیف اول ایستاده‌اند و در مرحله بعد دانشگاه‌های دولتی در گیر این تخلف‌ها هستند. دانشگاهی که حتی یک استاد ندارد یک صورتجلسه برمی‌کند و نام سه نفر استاد دانشگاه دیگر را می‌نویسد و مجوز تأسیس رشته می‌گیرد. تخلف علمی از این مشهورتر؟ در چنین شرایطی بسیاری از دانشجویان صلاحیت حضور در مقطع ارشد و دکتری را ندارند و بسیاری از استادان هم توانایی راهنمایی رساله‌انرا ندارند. در نتیجه کیفیت علمی از بین می‌رود. عده‌ای عقیده دارند آسبب ابزاری شدن دانشگاه با تأسیس دانشگاه آزاد آغاز شده

**پایان‌نامه‌های بی‌کیفیت و خریدنی می‌دانند. تحلیل شما چیست؟**

این که بگوییم چون سر استادان دانشگاه‌ها شلوغ شده، پس پایان‌نامه‌فروشی هم زیاد شده و کسی هم کنترل نمی‌کند، به علل نزدیک ماجرا اشاره دارد. در حالی که ما برای فهم سرنوشت دانشگاه بررسی کنیم، دانشگاه در ایران از «جهاد» به «جیز» تبدیل شده است. دانشگاه به‌عنوان یک نهاد تقلب فرهنگی دارد و اخلاق حرفه‌ای بر آن حاکم است اما وقتی دانشگاه تقلیل پیدا کرد به ابزار، جنبه فنی پیدا می‌کند و تبدیل می‌شود به وسیله‌ای برای کسب قدرت سیاسی و کنترل اجتماعی است. از این دست، دست‌کم در دو دهه اخیر سیاست‌ها به گونه‌ای بوده که این نگاه ابزاری بر دانشگاه حاکم شده است. دانشگاه علاوه به ابزار سیاسی به ابزار اقتصادی بدل شده است. الان دانشگاه‌های ما شبیه بنگاه‌های اقتصادی اداره می‌شوند. این نگاه از دولت احمدی‌نژاد شروع شد. دانشجویان مجبور شدند بابت خدماتی که دریافت می‌کنند، پول بدهند. این وضع تا همین دولت کنونی هم ادامه پیدا کرده است. از طرفی انواع و اقسام دانشگاه‌ها راه تأسیس کردند تا درآمد کسب کنند. مردم هم استقبال کردند چون در فضای اجتماعی هم مدرک دانشگاهی نوعی ارزش به حساب آمد. اما چرا تا این حد مدرک مهم‌شده؟ بسیاری از افراد که امکان رشد اجتماعی نداشتند به دو روش متوسل شدند: یکی فساد اداری و دیگری فساد علمی. در فساد اداری افراد سعی می‌کنند خودشان را با روش‌های غیراخلاقی به نیروهای صاحب‌قدرت نزدیک کنند تا در نتیجه به منابع مالی و قدرت دسترسی بیشتری داشته باشند و در فساد علمی افراد تلاش می‌کنند با کسب مدارک دانشگاهی بالاتر و ارابه‌ان به سازمان محل کارشان، از قدرت و جایگاه بهتری بهره‌مند شوند. حالا این پرسش پیش می‌آید که یک آدم شاغل که متاهل است با آن همه مشغله زندگی چگونه می‌تواند هم کارمند منضبط باشد، هم نقش پدری یا مادری برای فرزندش ایفا کند و هم دانشجوی حرفه‌ای مقطع تحصیلات تکمیلی باشد؟ در چنین شرایطی است که افراد به دنبال راه‌هایی می‌گردند که مدرک دانشگاهی را با دردرس کمتری دریافت کنند، به سازمان‌شان تحویل دهند و ارتقایابند. اینها افرادی نیستند که روحیه علمی داشته باشند، بلکه روحیه کارمندی‌شان قوی است. ناگفته نماند که برخی قوانین هم به مدرک‌گرایی دامن زد.

اگر روزگاری صحبت درباره فساد علمی و پایان‌نامه‌فروشی و مقاله‌های دزدی با احتیاط صورت می‌گرفت، گویی حالا وقت آن رسیده همه‌آنها یکی در گرو گذاشتن کار علمی دارند با صدای بلند سخن بگویند. نشانه‌های این سخن گفتن با صدای بلند اخیرا بیشتر نمایان شده است. اوایل سال جاری تحصیلی تعدادی از استادان دانشگاه‌ها در نامه به رئیس‌جمهوری خواستار برخورد با جریان پایان‌نامه و مقاله‌فروشی در کشور شدند. سه‌شنبه شب دبیر شورایعالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌ای که با حضور رئیس‌جمهوری تشکیل شد گفت: «ضرورت دارد برخورد لازم با جریان «پایان‌نامه‌فروشی» و نوشتن مقالات آکا در کشور که با پشتیبانی سازمان‌یافته عناصر خارجی و مساله‌دار یا جاهل انجام می‌شود، انجام گیرد.» حالا با تأکید این شورا فصل جدیدی در مبارزه با پایان‌نامه‌فروشی و مقاله‌فروشی آغاز شده. اما مبارزه با هر پدیده نامیمونی نیازمند شناخت ریشه‌ها و دلایل بروز آن است. همین موضوع دستمایه گفت‌وگو با محمدامین قانع‌ی‌راد، جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات سید مرتضی است. در این گفت‌وگو قانع‌ی‌راد کوشش کرد تحلیلی دقیق‌تر از آنچه او ابزاری در دانشگاه در ایران می‌نامد، ارائه کند. او مثل همیشه بی‌تعارف از آنچه «فساد آکادمیک» می‌نامد، انتقاد کرده است. قانع‌ی‌راد اخیرا در یکی از نوشته‌هایش با اشاره به انتقاد برخی استادان دانشگاه از وی به دلیل به کار بردن عبارت فساد آکادمیک نوشته است: «بحث فساد آکادمیک، بحث فساد فردی نیست، بلکه بحث فساد نهادین است. این به این معناست که نهاد نمی‌تواند بر مبنای قوانین و قواعد خودش کار بکند، بلکه قوانین و قواعدی بر آن حاکم و مسلط است که متعلق به آن نیست. فساد به فرد بر نمی‌گردد، بلکه فساد به نهاد بر می‌گردد. در درون این نهاد ممکن است افراد بسیار سالمی هم کار کنند اما این کارشان نمی‌تواند خیلی در تغییر فضای کلی حاکم‌بر دانشگاه تاثیر گذار باشد.» قانع‌ی‌راد بر این نکته تأکید دارد که موجود در گفت‌وگو با «شهروند» ایده تأسیس پارلمان آموزش در ایران را مطرح می‌کند.

**مدت‌هاست که موضوع خرید و فروش مقاله و پایان‌نامه‌های دانشگاهی در محافل رسانه‌ای مطرح است. در این میان، برخی افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها در مقاطع تحصیلات تکمیلی و در نتیجه افزایش حجم کاری استادان را عاملی برای کاهش کیفیت کنترل‌های علمی و در نتیجه افزایش ارابه**